

جایگاه شوراهای اسلامی در رشد و توسعه روستائی



* شوراهای اسلامی روستائی با آموزشهای لازمی که می‌بینند و دربرگیرنده سیاستهای ارشادی می‌توانند در برنامه‌ریزی توسعه روستائی نقش فعال و مؤثری داشته باشند.

و دست اندرکاران پس از انقلاب همواره مطرح بوده است، که متأسفانه پس از گذشت ۶ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و در حالیکه فرصتهای اساسی بسرعت از دست می‌رود ما هنوز فاقد یک برنامه مدون و زمان‌بندی شده هستیم، به‌رحال همانطور که اشاره گردید با توجه به دلایل اولویت قرار گرفتن رشد و توسعه روستائی در کشور، لزوماً شرایط و زمینه‌های این هدف نیز باید فراهم گردد و ما در اینجا به یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین این شرایط و زمینه‌ها که بحثی است پیرامون بخشی از سازمان و مدیریت مناسب توسعه روستائی اشاراتی خواهیم داشت.

نقش مدیریت روستائی در تخریب روستا و جلوگیری از مشارکت مردم در امور روستا در رژیم سابق:

در رژیمهای ضد مردمی، و از آن جمله رژیم ستمشاهی در ایران، جایگاهی را که مدیریت و روستا در قالبها و عناوین و اشکال گوناگون بخود اختصاص می‌دهد، متناسب با اهداف و سیاستهای ویران‌ساز و تخریبی رژیم، یک نقش سلطه‌گرانه در جهت تحکیم موقعیت سیاسی اجتماعی و اقتصادی نظام می‌باشد، برای اینکه به نقش و تأثیرات این مدیریت در زندگی روستا و روستائیان و بخش کشاورزی آگاهی عمیقتری ایجاد شود لازم است به ماهیت، اهداف، سیاستها

عظیم ما که همان اسلامی بودن آن است، تحول و تعالی انسان هدف اساسی و اصلی را تشکیل می‌دهد.

قبل از پرداختن به سخن اصلی، ناگزیر به بیان هستیم که بدلائل مختلف (که ذکر آن خارج از حوصله این بحث است)، توجه به روستاها، احیاء و آبادانی آن، رشد کشاورزی و صنایع وابسته به آن، بعنوان یک اولویت از سوی مسئولین

جایگاه شوراهای اسلامی در رشد و توسعه روستائی

رشد و توسعه اقتصادی، با عنوان و شکلی جذاب، بصورت یک هدف و اساس رسالت دولتهای جهان سوم پس از جنگ جهانی دوم و بخصوص در سه دهه اخیر همواره مطرح بوده است. بسیار بدیهی است که یک برنامه موفق «رشد و توسعه» به فراهم آمدن و تجمع امکانات و شرایطی نیاز دارد که در رأس تمام آنها و مقدم بر همه شرایط، وجود یک حاکمیت سیاسی مستقل و مردمی قرار دارد که در غیر این صورت تمام سیاستها و برنامه‌های «رشد و توسعه» سرابی بیش نخواهد بود که خوشبختانه این مهم، با ایثارگریها، جانبازیها و خونفشانیهای ملت مسلمان ما اکنون فراهم است. وجود منابع اقتصادی و طبیعی نیز از ملزومات تحقق اهداف برنامه «رشد و توسعه» است. وجود این امکان در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم و از جمله ایران از ویژگیهای بارز این کشورهاست و اگر بگوئیم، عمدتاً علت اساسی هجوم استعمار در این کشورها و زیر سلطه قرار گرفتن این جوامع بخاطر وفور این منابع بوده است، سخن گزاف نگفته‌ایم و از جمله ضروریات در جهت گیری صحیح یک برنامه «رشد و توسعه» اصیل در جوامع جهان سوم، تکیه به نیروی خروشان ملت و مشارکت آنها در تحقق این برنامه‌هاست، و اگر که عموماً یکی از اهداف اساسی حاکمیت‌های انقلابی در این جوامع، تامین و تعمیم عدالت اجتماعی است، بیشتر به اهمیت این ضرورت واقف می‌شویم.

بهر صورت آنچه که بطور خاص در مورد کشور خودمان مطرح است، این است که با الطاف الهی ایثارگریهای امت مسلمان و رهبریهای امام امت این سه شرط و امکان و هدف اساسی، در کنار هم جمع است. قبل از ادامه سخن بیان این نکته بسیار ضروری است که شرایط و ملزومات «توسعه و رشد» تنها در این سه عامل خلاصه نمی‌شود، بلکه عوامل اساسی دیگری نیز چون دستیابی و در اختیار داشتن تکنولوژی و اولی‌تر از همه، ایجاد و ارتقاء بینشها و آگاهیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فنی و تخصصی و... نیز از ضروریات هست و بخصوص که، با ویژگی خاص انقلاب

تحمیلی نگاه کرده و وابستگان به رژیم و از جمله کدخدا با وجود حضور همه جانبه در روستا، برای او در واقع در حکم بیگانه هستند، بیگانه ای که در فرهنگ روستائی، او را به چشم سوء ظن و شک

جایگاه شوراهاى اسلامى در رشد و توسعه روستائى



می نگرند. بهر صورت از آنجا که در رژیم وابسته و ضد مردمی طاغوت، عموم مردم و از جمله مردم روستا نقشی بعنوان انسانهای آگاه و مسئول ندارند، ارتباط کدخدا با مردم روستا نیز به شکلی نیست که مشارکت آگاهانه روستائیان را در امور روستا بخود جلب نماید، بلکه نقشی پدر سالارانه و تحمیلی در جلوگیری از تجلی اراده های آگاه و مصمم روستائیان است تا انسان روستائی، نه یک انسان که پادو و برده، محکومیت خود را حتمی و همیشگی حس نماید و در نتیجه به ظلمها و جنایات خوانین تمکین نماید، محرومیتها و فقر ناشی از حاکمیت طاغوت را سرنوشت محتوم خود بداند.

اما در یک حاکمیت مستقل و مردمی، مردم لزوماً چه نقشی باید داشته باشند؟ اگر توجه داشته باشیم که در حاکمیت و نظام اسلامی، تحول انسان و رشد و تعالی وجودی او هدف اصلی را تشکیل می دهد، این هدف چگونه تحقق می پذیرد؟ بخصوص با عنایت به این نکته که در اینها صحبت از مردمی است که همواره ستم مضاعفی را بر هستی خود تحمل کرده اند و استضعاف فکری و فرهنگی آنها (یعنی روستائیان) بسیار شدید و عمیق است، سؤال اینست که اساسی ترین و از دید اسلام قابل قبول ترین راه برای احیاء شخصیت انسان روستائی و رفع استضعاف فکری فرهنگی او

و برنامه های نظام سابق دقیق شده و آن را مورد توجه اساسی قرار داد. در رژیم طاغوت تحت عنوان فریبنده «انقلاب سفید»، مجموعه ای از اقدامات و برنامه های اقتصادی اجتماعی به ظاهر اصلاحی انجام می شد که هدف و نتیجه ای جز حرکت مجموعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران در راستای اهداف غارتگرانه سرمایه داری جهانی نداشت، در یک کلام هدف و نتیجه آن به یغما بردن منابع عظیم طبیعی و خدادادی بعنوان مواد اولیه ارزان قیمت از یک سو، و تبدیل ایران به بازار وسیع کالاهای مصنوعی غربی از سوی دیگر بود. چرا که امپریالیسم توسعه طلب و جهانخوار جهت ادامه حیاتش ناچار به تولید بیشتر است و تولید بیشتر احتیاج به مواد اولیه و منابع تولید ارزان قیمت و همچنین بازاری وسیع برای فروش هر چه بیشتر مصنوعات خود دارد که توقف این حرکت به معنی اعلام مرگ سرمایه داری جهانی است و به همین خاطر تمام شیوه های جنایتکارانه و استثمارگرانه بکار گرفته می شود تا این دجال هم چنان به حیات و یرانگرانه خود ادامه دهد. بر همین اساس در برنامه های اقتصادی-اجتماعی استکباری رژیم، متناسب با اهداف و سیاست های امپریالیسم غرب، آنچه که اصل و اساس است توجه به شهرها بعنوان قطبهای عظیم مصرف، تمرکز و تجمع صنایع مونتاژ، کانون جذب نیروی کار ارزان قیمت، و امثالهم می باشد و اگر توجهی هم به روستاست، توجهی منفی و صرفاً بعنوان کانونهای تامین نیروی کار ارزان قیمت در صنایع مونتاژ متمرکز در شهرهای بزرگ می باشد که نتیجه این امر و یرانی و تخریب روستاهاست. اما در همین روستاهای فقرزده و ستم زده چه پس از اجرای برنامه های اصلاحی و چه قبل از آن و در طول دهه ها و سده ها حکومتهای جبارانه، عواملی که بعنوان مدیر روستا و کارگردان امور روستائیان فعال هستند، دقیقاً و منطقی در خط تعقیب و تحکیم اهداف نظام حاکم بر کل جامعه و کشور عمل میکنند. «کدخدا» عاملی است کاملاً وابسته به رژیم و فعالیتش در جهت تحکیم سلطه خوانین می باشد، روابطش با خان بسیار صمیمانه است، مناسباتش با ژاندارمری بعنوان یکی دیگر از ابزار حاکمیت خان و نظام، دوستانه است. عوامل اداری و سیاسی رژیم طاغوت او را می شناسد، به او اعتماد دارند و ارجاع کارهایشان در ارتباط با روستا و روستائیان

* یک برنامه موفق «رشد و توسعه» به فراهم آمدن و تجمع امکانات و شرایطی نیاز دارد که در رأس تمام آنها و مقدم بر همه شرایط، وجود یک حاکمیت سیاسی مستقل و مردمی قرار دارد.

با او و از طریق اوست، در این میان روستائی که زندگی در سایه ارباب و سلطان را همیشگی یافته، حضور «کدخدا» را در زندگی خود بناچار می پذیرد و به او و رهنمودهای او تمکین می کند، و خان و سلطان نیز همین را می خواهند. به هر شکل در این نظام مردم نه تنها امکان مشارکت آگاهانه و مبتنی بر حفظ منافع خود در امور روستا و همچنین در سرنوشت جامعه و کشور را نمی یابند، بلکه سرکوب می شوند، و روابطشان با نمایندگان دولت نیز نه تنها خودمآبی و صمیمانه نیست، بلکه همواره آن را بصورت یک رابطه

جایگاه شوراهاى اسلامى در رشد و توسعه روستائى

چیست؟ و باز اگر توجه نکنیم که در این کشور اولویت به توسعه روستائی داده شده، سؤال اینست که در تحقق برنامه های توسعه روستائی، انسان روستائی خود، چه نقشی دارد؟ آیا این برنامه ها بدون حضور و مشارکت آگاهانه او صورت می گیرد؟ بنظر می رسد که این اصل از بدیهیات است که در یک نظام و یا صحیح تر در انقلاب اسلامی ما که از جمله ویژگیهای بارز آن، حضور آگاهانه و ایثارگرانه مردم در تمام صحنه ها بوده و هست لزوماً باید باشد، سؤال صحیح اینست که بهترین و اصولی ترین روش جلب مشارکت آگاهانه مردم روستا در تحقق اهداف انقلاب اسلامی در روستاها و بخصوص انجام برنامه های توسعه روستائی کدام است؟

با توجه به سؤالاتی که مطرح گردید، معتقدیم که مردمی ترین، بهترین و اساسی ترین شیوه که در عین حال مطابق با رهنمودهای اسلام نیز باشد، در جلب مشارکت آگاهانه و ایثارگرانه مردم روستا در امور مربوط به خود، بطوریکه او در سایه بکارگیری این شیوه سریعاً به هویت انسانی اسلامی خود بازگردد و انسانی متعالی و آگاه شود و همینطور برنامه های اقتصادی اجتماعی فرهنگی را در سطح روستا با کمال میل به اجرا درآورد را باید در برآیند نیروی حاصل از قریب به اتفاق اهالی روستا و نهادی جوشیده از میان مردم و مرکب از نمایندگان صالح و منتخب روستائیان جستجو نمائیم، نمایندگانی که در عین حائز بودن صلاحیتهای اخلاقی و انقلابی و اجتماعی و فردی لازم، منتخب مردم روستا نیز باشند و ما آنها را تحت عنوان «شوراهای اسلامی روستائی» می شناسیم و با اشاره ای که مختصراً خواهد شد، روشن میشود که در واقع صالحین روستا به حق زینده آنها می باشد.

این چنین شورائی در عین حال به مفهوم مدیریت ایده آل روستا در تحقق اهداف رشد و توسعه روستائی نیز خواهد بود، چرا که مدیریت روستا ضمن قرار داشتن در چهارچوب برنامه های رشد و توسعه روستائی، لزوماً باید از خود مردم باشد، همدرد و هم سرنوشت و هم جهت آنها باشد، اعتماد و روابطی متقابل و صمیمانه بین آنها و مردم فراهم باشد، دلسوزانه در تمام صحنه های زندگی روستا حضور مؤثر و فعال داشته باشند، از مقبولیت اجتماعی و معنوی خاص در دید روستائیان برخوردار باشد، و مهمتر از همه

صلاحیتهای و شایستگی های اخلاقی و معنوی و انقلابی لازم را به نسبت وضعیت فرهنگی اجتماعی روستا، در خود جمع داشته باشد و از سوی دیگر مورد اعتماد مسئولین اجرایی نیز باشد، بتواند بعنوان نماینده دولت، وظیفه خود را در جهت اجرای برنامه های دولت در ارتباط با روستاها بطور فعال و آگاهانه به انجام برساند و شوراهای اسلامی در واقع با بکارگیری امکانات لازم قانونی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تنها انتخاب مطلوب انقلاب اسلامی جهت پاسخگویی به نیازهای فوق الذکر است که در عین حال و ویژگیهای مورد نیاز را که برشمرده خواهد شد، خواهد داشت. برای وقوف بیشتر و بهتر نسبت به شوراهای اسلامی روستائی ضرورتاً اشاره ای داریم به نحوه تشکیل این شورا.

صالحین روستا چگونه برگزیده می شوند

روستاها، ما، هنگامیکه پس از تحمل یک حاکمیت سیاه و ستمگرانه مظلوم پرور ۲۵۰۰ ساله، در پرتو انقلاب اسلامی آزاد گردیدند، آنچنان این فرهنگ ستمشاهی بر زندگی و هستی شان ریشه دوانیده و عمق یافته که رهائی از قیودات و تأثیرات آن به آسانی برایشان ممکن نبوده و نیست، بخصوص هنگامی که پای انتخاب نمایندگانی صالح و شایسته و درخور ارزشهای انقلاب اسلامی در میان باشد که باید مستقل از هر گونه فرهنگ زورمداری، اراده مصمم خود را به نمایش بگذارند، با توجه به اینکه پس از انقلاب نیز نفوذ عناصر قدرتمندی چون خانها که قدرت اقتصادی و در واقع ریشه حیات زندگی روستائیشینان را در دست داشتند، ریشه کن نگردیده، و یا اینکه بافت دستگاههای اداری ما در ارتباط با امور مربوط به روستا و روستائیان بنحوی دست نخورده، به لحاظ ماهیتی، باقی مانده و یا... با توجه به این مسائل که این عوامل پس از پیروزی انقلاب نیز در روستا حاکمیت خود را، هر چند تضعیف شده، حفظ نموده اند، می بایست زمینه های لازم به شکلی فراهم گردد که روستائیان بتوانند اراده آزاد و آگاهانه خود را متجلی سازند، بدین جهت، قبل از اینکه یک شورای اسلامی روستائی در روستای مورد نظر تشکیل شود، نیروهای مخلص و مومن با بکارگیری امکانات مختلف چون فیلم، سخنرانی و استفاده از

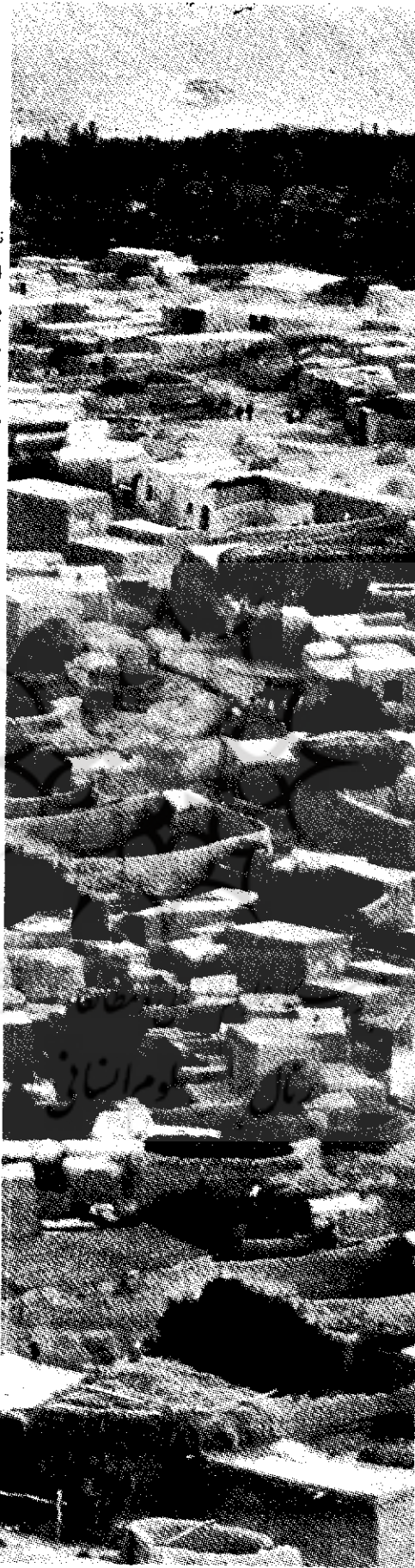
برادران روحانی اقدام به زمینه سازی لازم نسبت به جنبه های مختلف تشکیل شورا می نمایند. آنها اهمیت حضور و مشارکت مردم در صحنه های اقتصادی اجتماعی انقلاب را برای مردم روستا بیان می کنند، نقش و اهمیت و جایگاه شورا در اسلام را توضیح می دهند، و ویژگیهای صالحین روستا را برمی شمارند (برطبق قوانین و آئین نامه های موجود) و با ابزارهای قانونی و در حد امکان مانع از حضور عناصر ضد انقلاب در جایگاه نمایندگان مردم می شوند. و در نهایت تلاشهای شبانه روزی و از مجرای قانون صورت می پذیرد تا حتی المقدور آنان که انتخاب می گردند سعی شود اولاً: صالح ترین و باتقواترین باشند. ثانیاً منتخب و مورد تأیید مردم باشند و عموماً نیز اینچنین بوده است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که افراد منتخب آموزشهای لازم در حد وظایف خود و همینطور در محدوده ارتقاء کیفیت، صلاحیت و شایستگی های اخلاقی و کاری را می بینند در نتیجه اینها که انتخاب می شوند هم مورد اعتماد و اطمینان مردمند و هم می توانند به مقیاس زیادی مورد اعتماد مسئولین قرار گیرند (بعلت دارا بودن صلاحیتهای قانونی، اخلاقی و کاری مناسب)، اینها از خود مردمند، همدرد آنها هستند، همزبان هستند، زندگیشان چون آنهاست، نیروهای فعال و پرتلاش و ایثارگر روستا هستند، مقبولیت اجتماعی دارند، وفادار به انقلاب و آرمانهای والایش هستند و اگر امکانات مناسب در اختیارشان قرار گیرد در حد وظایف و اختیاراتشان بنحو مطلوب در پیشبرد امور روستا مورد استفاده قرار می دهند. در حال حاضر تنها کانال مطمئن و شایسته ارتباطی بسیاری از ارگانها با روستائیان بوده و در بسیاری از زمینه های از جمله جنگ، حل مشکلات و کشمکشهای داخلی روستا، نیازهای خدماتی، عمرانی و کشاورزی روستا، نظارت بر توزیع صحیح و عادلانه کالا نقش مؤثری داشته اند بعنوان نمونه: هم اکنون روستاهائی موجودند که بدلیل فعالیت گسترده شورای اسلامی روستا و حمایت مردم توانسته اند از تمامی خدمات رفاهی و عمرانی ممکن و متناسب روستا برخوردار شوند و این در حالی بوده است که شورای اسلامی روستا نقش محوری را در جمع آوری خودیاری و تأمین اعتبار و مدیریت و اجرای طرحها بصورت محوری دارا بوده است. شوراهای اسلامی روستائی تاکنون در

طرح‌های گسترده‌ای نظیر سنابل ۱ و ۲ (بهرزاعی کشت گندیم دیم) و انعام (مبارزه با آفات انگلی دام) که هر کدام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند، ایفای نقش نموده‌اند که به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌نمائیم.

ضرورتها و زمینه‌های لازم جهت موفقیت شوراهای اسلامی:

لازم بتذکر است که شوراهای عموماً زمانی خواهند توانست نقشهای فوق‌الذکر را ایفا و ذر زمینه انجام هر چه دقیق‌تر وظایف خود موفق باشند که تنها در مواقع ضرورت و آنهم صرفاً در زمینه‌های اجرایی و نیازهای مالی (جهت جمع‌آوری خودیاری) به آنها مراجعه نشود بلکه قبل از هر چیز از مشارکت فکری و برنامه‌ریزی آنها استفاده و در زمینه اجرای طرحها نیز از استعداد آنها کمک گرفته شود. در این صورت است که شوراهای ضمن دیدن آموزشهای لازم و رفع نیازهای آموزشی خود به لحاظ کیفی رشد پیدا می‌کنند و از سوئی نقش قابل توجهی را در منطق نمودن برنامه‌ها یا واقعیتهای روستا ایفا خواهند کرد. در این صورت بخاطر نقشی که شوراهای روستائیان در برنامه‌ریزی پیدا می‌کنند، انگیزه بیشتری جهت همکاری و تأمین سایر نیازها و اجرای طرحها پیدا خواهند کرد.

" بهر صورت باید بسوئی برویم تا اداراتی را که جانشین عدم حضور مردم در صحنه برنامه‌ریزی کشور شده‌اند را حذف و مردم را ضمن هدایت‌های لازم، برنامه‌ریزی نیاز خود گردانیم. مشارکت مردم در برنامه‌ریزی ضمن ایجاد اعتماد به نفس در آنها آنان را در صحنه نگاه خواهد داشت. به صحنه آمدن و فقط حضور همه‌جانبه مردم زمانی انجام خواهد شد تا آنان از این طریق منافع مادی و معنوی خویش را محفوظ ببینند. یک نیروی اداری هر چند متعهد، تنها قادر است مشکلات و کمبودهای مردم را تحلیل نماید نه درک، و از امتیازات مهم و اساسی یک برنامه‌ریزی توسعه موفق درک مشکلات مردم و عدم برخورد ابزاری با آنان می‌باشد. بهر صورت لزوم طراحی سازمانی کشور از پائین به بالا و لزوم ایجاد یک ارتباط تشکیلاتی و نزدیک میان رأس هرم تشکیلات اداری و برنامه‌ریزی کشور با روستا و جهت یک برنامه‌ریزی غیر متمرکز بر اساس



شناخت غیر متمرکز روستا در خود روستا می‌بایست به روستا برگردیم و مطابق واقعیات موجود تشکیلات مناسب را جستجو نمائیم این نهاد و تشکیلات چیزی جز شوراهای اسلامی روستائی با ویژگیهایی که برشمرده شد نخواهد بود.

متأسفانه تاکنون قریب به اتفاق ارگانها و نهادها در زمینه استفاده از نقش مشارکت فکری و اجرایی شوراهای موفقیتی نداشته‌اند بلکه شیوه کار براساس گرفتن خودیاری به شکلهای مختلف مالی و بدنی بوده است که تفاوتی عمده و اساسی بین خودیاری و مشارکت وجود دارد، خودیاری کمک فیزیکی و بدنی مردم است، مشارکت علاوه بر کمک بدنی، کمک فکری روستائیان را وارد صحنه نموده و ضمن بکارگیری و استفاده از توانائی‌های آنان، استعداد بالقوه‌شان را نیز به آنها بشناسانیم و ضمن یک ارتباط تشکیلاتی با آنان نهادها و ارگانهای مجری طرحهای توسعه را در زمینه اجرای هر چه موفقتر طرحها کمک نمائیم. در این خصوص متذکر می‌گردم، بدون شک از لوازم اولیه اجرای هر طرح توسعه همه‌جانبه‌ای کمک گرفتن از مردم و نمایندگان آنان در برنامه‌ریزی و اجرای طرحها می‌باشد. این فعالیت را شورای اسلامی روستائی در موقعیتی انجام می‌دهند که از کمترین امکانات نیز برخوردار نیست. حمایت‌های قانونی لازم را به‌مراه خود ندارند، پیچ و خمهای بوروکراسی اداری برخورد نامناسب اداری و ارگانهای مختلف گذشته از آنکه سبب یاس و نومیدی آنان از تلاش بیشتر بوده، مانعی جدی در راه هر چه موفق‌تر و پرنمرتر وظایفشان نیز بوده است.

اما اگر این مشکلات، نارسائیه‌ها و ضعفها برطرف شود، آن زمان هست که صالحین منتخب مردم، جایگاه واقعی خود را می‌یابند. در چنین وضعیتی شوراهای اسلامی روستائی بنحو مؤثری در محورهایی که ارائه می‌شود نقش فعال و تعیین کننده‌ای می‌یابند:

۱- نقش شوراهای اسلامی روستائی در برنامه‌ریزی توسعه روستائی

در یک برنامه‌ریزی توسعه و اجرای موفق آن در نظر گرفتن امکانات، استعداد و شرایط جاری از ضرورت‌های اساسی و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، با توجه به زمینه‌ها، امکانات و شرایط موجود چاره‌ای

جز مراجعه به مردم و درپیش گرفتن شیوه غیر کلاسیک نخواهیم داشت. برنامه ریزی و اجرای آن به شیوه معمول و کلاسیک که عمدتاً بدون حضور گسترده و همه جانبه مردم انجام می شود، بدون شک از توفیق برخوردار نبوده و نخواهد بود و اساساً چنین شکل برنامه ریزی و اجرای آنرا نمی توان برنامه توسعه نامید.

درپیش گرفتن شیوه غیر کلاسیک و مشارکت عمومی و گسترده مردم در برنامه ریزی و اجرای طرحهای توسعه لزوماً نیاز به یک مدیریت جوشیده از متن مردم را که هم جهت و همراه با شیوه های غیر کلاسیک رشد و توسعه باشد طلب می کند، این مدیریت در بهترین شکلش شوراهای اسلامی روستائی که در حقیقت صالحین و نخبگان مردم روستا هستند خواهند بود. شوراهای اسلامی روستائی بدلیل برخورداری از ویژگی مردمی بودن و همراهی شان با دولت در زمینه موفقیت طرحها تأثیر کاملاً بسزائی می توانند داشته باشند.

نمونه هایی چند از موانع و مشکلات عمده و گسترده توسعه یکپارچه روستائی در بسیاری از جوامع از جمله جوامع آفریقائی به این شرح بوده است:

۱- عدم وجود مشارکت و انگیزه کافی در میان مردم.

۲- فقدان شبکه سیاست گذاری و انتقال سیاست گذاری مشخص.

۳- محدودیت منابع انسانی.

۴- عدم تمایل دولتها به سیاست و چهارچوبهای تصمیم گیری مبتنی بر عدم تمرکز که در نتیجه دخالت و مشارکت فعال آحاد محلی در روند توسعه را مانع می گردد. تجربیات موجود بخوبی نشان می دهد که اجرای موفق طرحهای توسعه روستائی مستلزم بعمل درآوردن این موارد است:

الف - توجه کامل مردم و جلب حمایت و توجه آنان با شیوه های خودشان.

ب - انگیزه دادن به مردم و جلب همکاری آنان.

ج - نظم و برنامه دادن از طریق یک مدیریت تشکیلاتی و منظم و نظارت دقیق بر اجرای

برنامه ها.

بدون شک با در نظر گرفتن موانع و مشکلات فوق الذکر و مد نظر قرار دادن تجربه ای که جهاد سازندگی خود در زمینه نقش و جایگاه شوراهای اسلامی روستائی در این زمینه ها داشته بخوبی درمی یابیم اعضای نهاد شورای اسلامی روستائی بدلیل برخورداری از ویژگیهایی که ذکر آن رفت می توانند نقش مؤثر و مفیدی را در برنامه ریزی و اجرای برنامه های توسعه روستائی بعهده بگیرند، شوراهای اسلامی روستائی بهترین تشکیلات و مراکز ارتباط گیری جهت استفاده و هدایت دانشهای روستائیان می باشند که عمدتاً مبتنی بر فطرت سالم آنها و جوشیده از روشهای عملکردی آنان بوده است.

شوراهای اسلامی روستائی با آموزشهای لازمی که می بینند و در پرتو سیاستهای ارشادی می توانند در برنامه ریزی توسعه روستائی نقش فعال و مؤثر داشته باشند. در یک برنامه ریزی قبل از هر چیز به اطلاعاتی در زمینه نیازها و کمبودها، امکانات و راههای مختلف تخصیص منابع نیاز هست، بخصوص اطلاعات واقعی و جدید در تصحیح برنامه ها و قبل از آن تعیین برنامه ها نیز مؤثر هست. از سوی دیگر با در نظر گرفتن این نکته که شوراهای اسلامی روستائی یعنی نمایندگان منتخب مردمی که در دل روستا زندگی می کنند و از مشکلات و نیازها و تا اندازه ای از امکانات موجود اطلاع دارند، نقش جمع آوری آمار و اطلاعات از سوی آنان قابل توجه است. در یک برنامه ریزی موفق، باید فرهنگ و شرایط اجتماعی جامعه را مد نظر قرار داد و عدم تطابق با انطباق یک برنامه ریزی با فرهنگ اصیل و بومی، یا شدیدتر از آن، ضدیت آن با فرهنگ بومی و خصوصیات و سنن اجتماعی، که تصحیح و تقویت آنها یک عامل قوی در تضمین موفقیت برنامه هاست و رعایت و بکارگیری آن ایجاد یک انگیزه قوی در جهت اجرای برنامه های تعیین شده را می نماید، و عدم رعایت آن نه تنها از اجرا و تحقق موفقیت آمیز برنامه ها جلوگیری می کند بلکه تأثیرات منفی شدیدی را در جهت اجرای سایر برنامه ها نیز ایجاد می نماید. در زمینه برنامه ریزی روستائی و با توجه به نکته ای که بیان گردید، شوراهای اسلامی می توانند بعنوان مطلع ترین و اصیل ترین مردم روستا نسبت به فرهنگ روستا مورد توجه قرار گیرند و دقایق و نکات لازم از

نظرات آنها استخراج گردد. در زمینه جمع آوری اطلاعات آماری مورد نیاز از روستاها، عدم اعتمادی که معمولاً بین روستائی (تحت تأثیر فرهنگ استضعاف و در بسیاری موارد بحق و درست) و انسان اداری و بیگانه نسبت به روستا وجود دارد مانع از انتقال و جمع آوری صحیح اطلاعات می شود و این می تواند عاملی باشد در جهت تأکید بر روی نقش شوراهای اسلامی روستائی در جمع آوری اطلاعات بعنوان انسان بومی و روستائی و مورد اعتماد روستائیان، گذشته از آن که شورا، و در واقع مردم، وقتی نظرات سازنده و اصولی هدایت شده خود را مؤثر در برنامه ریزیها ببینند، با شور و اشتیاق بهتر و بیشتری در اجرای برنامه ها و فراهم آوردن زمینه های لازم البته در حد وسیع و امکان خود و روستا تلاش خواهند نمود، منتهی نکته ای را مجدداً باید یادآور شویم که این وظیفه را شوراها پس از چند دوره که در عمل و بصورت تجربه عملی به انجام رسانند، بنحوی مطلوبتری آمادگی انجام و اجرا پیدا می نمایند و بخصوص نقش آموزشها در این قسمت بسیار حیاتی و حساس هست.

۲- نقش شوراهای اسلامی روستائی در نظارت و اجرای برنامه های توسعه روستائی

شوراهای اسلامی روستائی بعنوان نمایندگان مورد اعتماد دولت در روستاها، با دیدن آموزشهای لازم می توانند در جهت طرحهای مختلف و همچنین نظارت برنامه های خاص توسعه روستائی مؤثر باشند، طرحهایی که در زمینه های مختلف عمرانی، کشاورزی، فرهنگی، بهداشتی و... در روستاها به اجرا درمی آید، از آنجا که تأثیر سریع و مستقیم آن در زندگی روستائیان برای آنها قابل حس و لمس است، بخصوص با در نظر داشتن کمبودها و محرومیتها و فقرها که در طول تاریخ بر هستی آنها سایه افکنده است، خود و نمایندگانشان با کمال میل و علاقه و با شوقی خاص حاضرند ناظر بر کیفیت اجرای طرحها بوده و یا اینکه خود بعنوان مجریان طرح عمل نمایند. در بخشهای نخست بحث اشاره ای به انجام فعالیتهایی که در حال حاضر شوراها در روستاها انجام داده و می دهند گردید.

البته شوراها باید خود در زمینه های مورد نیاز قبلاً آموزشهای لازم را از طریق ارگانها و نهادهای مربوطه دیده باشند تا بتوانند در حد نظارت و

اجرای طرحها فعال باشند یا آنها را به روستائیان منتقل نمایند.

۴- نقش فرهنگی و معنوی شوراهای جهت:

الف - توجیه روستائیان جهت اجرای برنامه‌های توسعه.

همانطور که قبلاً اشاره گردید شوراهای یعنی صالحین منتخب مردم، کسانی که مورد اعتماد و مورد تائید مردم هستند و در بین آنها مقبولیت معنوی و اجتماعی دارند و رهنمودهایشان مورد توجه و پذیرش اهالی روستا قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی شوراهای می‌توانند در جلب نظر روستائیان جهت اجرای برنامه‌های توسعه روستائی موفق باشند، کاری که از هیچ نیروی اداری بر نمی‌آید.

در قسمت قبلی به نقش شوراهای در اجرا و نظارت بر طرحها و برنامه‌ها اشاره گردید، شوراهای هنگامی می‌توانند این نقش را با موفقیت به انجام برسانند که روستائیان را با خود همراه داشته باشند، و این کار یعنی، جلب روستائیان و توجیه فکری و معنوی آنها به ضرورت و لزوم اجرای این برنامه‌ها، کاری است که بخوبی و بنحو مطلوب تنها در توان صالحین منتخب مردم می‌باشد.

پیشرفت موفقیت آمیز کارهای اجرایی و فرهنگی در روستاها احتیاج به مشارکت صمیمانه و همگانی اقشار روستائی دارد، بخصوص اگر توجه داشته باشید که فاجعه ویرانی و محرومیت روستا آنقدر عمیق است که با شیوه‌های عادی و با بکارگیری نیروهای اداری و تشکیلات محدود موجود نمی‌توان در زمان مناسب به این مهم عمل نمود و هر تشکیلاتی هر چند هم که قوی و گسترده و کارا باشد به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد و تنها بسیج و بکارگیری تمامی اقشار ملت می‌تواند مثمر و ثمر واقع گردد و در این میان خود روستائیان احق و اولی از همه برای مشارکت در سازندگی روستاها هستند و اگر بتوان آنها را با اشتیاق و علاقه وارد صحنه‌های احیا و سازندگی روستاها نمود، بازده عمل چند برابر می‌شود، بهترین کانال و مطمئن‌ترین عامل این کار، نمایندگان منتخب و مورد اعتماد خود آنها یعنی شوراهای هستند، و این نه سخنی گزاف است که بارها و بارها در این چند سال پس از انقلاب در روستاهای ما هر جایی که امکانات فراهم بوده و



شوراهای امکان فعالیت یافته‌اند، عملی گردیده است.

ب - جذب و جلب تمام روستائیان به حضور در صحنه فعالیت‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی:

انقلاب اسلامی و ویژگی‌های خاص خود را دارد که این ویژگی‌ها در عین حال شرط تداوم آن در مسیر اهداف و الایش نیز می‌باشد. از جمله مهمترین و اساسی‌ترین این شیوه‌ها حضور و مشارکت مردم در صحنه‌های انقلاب بوده است.

بخصوص در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی و... و این انقلاب همانطور که اشاره شد جهت تداومش نیاز به حضور آگاهانه تمام اقشار ملت و از جمله اقشار زحمتکش و مستضعف روستائی دارد، گرچه شوراهای اسلامی روستائی به یک مفهوم یعنی حضور و مشارکت اقشار روستائی در صحنه‌های انقلاب و در صحنه‌های سازندگی، اما این انقلاب از آن حرکت‌هایی نیست که تنها به حضور نمایندگان مردم بسنده نماید بلکه شرکت مستقیم تمام مردم را همواره مطرح نموده و می‌کند. در اینجاست که شوراهای بعنوان نمایندگان مورد اعتماد مردم نقشی اساسی در جذب و جلب مردم روستا به حضور در صحنه‌های انقلاب می‌یابند.

آنها، یعنی صالحین روستا، در حال حاضر در هدایت و جلب مردم به مشارکت و حضور آگاهانه در صحنه‌های مختلف فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی در بسیاری از روستاها بصورت فعال برخورد می‌کنند که به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

با در نظر داشتن مطالبی که مختصراً عنوان شد، منطقی و عادلانه خواهد بود که نتیجه بگیریم شوراهای اسلامی روستائی یعنی حضور و مشارکت همواره و همیشه مردم روستا در تمام صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نظامی کشور، شوراهای اسلامی روستا یعنی محور محکم، مورد اعتماد، کارا و صالح دولت و نظام جمهوری اسلامی در ارتباط با روستا و روستائیان، بازوان قدرتمندی که همواره در خدمت روستائیان

می‌باشند، شوراهای اسلامی روستائی هم‌زمان مردم روستا هستند، مردم روستا با آنها احساس بیگانگی ندارند، شوراهای زائیده و پرورش یافته همان فرهنگی هستند که تمام روستائیان در دامن آن پرورش یافته‌اند، اینست که هیچگاه برنامه‌های مختلفی که در سطح روستا اجرا می‌شود، به لحاظ فرهنگی حساسیتها و مخالفت‌های روستائیان را برنخواهد انگیزد و برنامه‌های دولت همواره از اثرات و عارضه‌های فرهنگی ناشی از عدم تطابق و یا ضدیت آن با فرهنگ بومی مصون و برکنار خواهد بود. اعضای شورا توانا ترین و کارا ترین افراد روستا هستند و این از اساسی ترین ضروریات جهت اجرای برنامه‌ها و یا نظارت بر اجرای طرحها در سطح روستاها است، این افراد، صالح ترین افراد روستا هستند، و ویژگی‌هایشان منطبق با ارزشهای اسلام و انقلاب اسلامی است، از خودرانی‌ها، خودخواهیها بیشتر از هر روستائی دیگر، به لحاظ صلاحیتهای اخلاقی‌شان که از شرایط انتخابشان است، مصون هستند، همواره در دسترس روستائیان هستند و مورد اعتماد آنها نیز می‌باشند.

شوراهای اسلامی روستائی بهتر از هر فرد و هر تشکیلاتی در جلب مشارکت آگاهانه مردم روستا مؤثر هستند و مگر این مسئله یکی از اهداف انقلاب و یکی از ضروریات تداوم انقلاب نیست؟

قبول و تقویت شوراهای اسلامی روستائی از سوی مسئولین، آنطور که باید باشد، و دخالت دادن نظریات آنان در سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیها، اعتماد به قدرت اجرایی و نظارت آنان، یعنی فراهم آوردن یک زمینه اساسی و مهم جهت ارتقاء شخصیت انسان روستائی، یعنی بازگرداندن اعتماد به نفس به انسان روستائی، یعنی احیا هويت اصیل و به استضعاف کشیده شده روستائیان و مگر این اساسیترین هدف انقلاب اسلامی نیست؟ چه نهاد و یا چه شیوه دیگری بهتر از این نهاد مردمی و این شیوه در تحقق این هدف موفق خواهد بود؟ که در واقع هدف عالی توسعه نیز می‌باشد.

در پایان مجدداً یادآوری می‌شویم برای یک برنامه‌ریزی پیروز و موفق باید عوامل اساسی پیروزی انقلاب و جنگ که مشارکت و حضور همه‌جانبه مردم بوده است را دخالت دهیم.

